

شناسنامه غیر وسیله فرار خود را از چنگال مامورین کشف و تعقیب بزه فراهم نماید و با مقامات مربوطه را با استعمال شناسنامه غیر با شتماء انداخته و پرونده کار تحت اسم معمولی تشکیل شود در این نوع موارد ممکنست این موضوع مورد بحث واقع شود که متهمی که با ارائه شناسنامه دیگری وسیله فرار خود را فراهم نموده طبق مواد مذکوره در بالا قابل تعقیب و کیفر میباشد یا نه و در صورتی که شخص دیگری با دادن شناسنامه خود بمتهم وسیله فرار او را فراهم آورد آیا ممکنست که صاحب شناسنامه را بعنوان بز هکار اصلی و متهم فراری را بعنوان معاون تعقیب نمود یا نه؟ موضوع اینست که شناسنامه غیر بنحوی که در موارد بالا بیان اشاره شد بزه است یا نه کاملاً نظری بوده و قابل

بحث میباشد ولی از توضیحات قبل بطور کلی می توان این نتیجه را گرفت که استعمال شناسنامه غیر بطور عادی و معمولی بغیر از موارد مخصوصی که در بالا بآنها اشاره شد بزه نبوده و همانطور که دیوان جنائی تهران در دادنامه خود استدلال کرده است عمل منطبق با هیچیک از مواد کیفری نمیباشد و این یکی از نواقص قانون کیفر عمومی محسوب میشود که عقیده نگارنده خوب بود در قانون جدید اصلاحی قانون ثبت احوال با وضع ماده مخصوصی در ضمن مواد کیفری رفع میگردد تا در آتیها بروز اختلاف نظر بین دادگاههای کیفری جلوگیری بعمل آمده و استعمل کنندگان شناسنامه غیر نیز طبق ماده مخصوصی بکیفر خود برسانند.
دکتر علی اصغر پور همایون

بحث در قوانین تجاری انگلستان

- ۱۵ -

علاوه بر جنبه مشروعیت قراردادها باید قابل انجام یعنی ممکن الاجرا بوده باشد - هر گاه طرفین معامله راجع باموری که انجام آن غیر ممکن باشد قراردادی ببندند آن قرارداد از لحاظ قوانین انگلیس باطل شناخته شده قابل تعقیب نخواهد بود - بنا بر قوانین انگلیس قرار دادهای ناممکن بر سه گونه است :

- ۱ - قرارداد هائیکه مطلقاً ناممکن شناخته شود مانند قرار داد هائیکه بر خلاف نوامیس طبیعت منعقد گردد چنانکه مثلاً اقدام به پرواز بکره ماه یا گردیدن بدون زمین در یکساعت و از اینقبیل چیزها موضوع قرارداد باشد.
- ۲ - قرارداد هائیکه از لحاظ قوانین موجود کشور انجام موضوع آنها ممنوع باشد.
- ۳ - قرارداد هائیکه انجام آنها بالفعل میسر

نباشد و این صنف خیلی مهمتر از دو صنف دیگر است که یاد نمودیم غالباً اینگونه قراردادها عبارت از آنهایی است که در هنگام عقد بدون آنکه طرفین آگاه باشند موضوع قرارداد منقذی و نابود گشته است - چنانچه طرفین قرار داد راجع به کالای تجارتی معامله میکنند که بگمان آنها فعلاً در کشتی بار شده در راه است و قریباً میرسد و حال آنکه در همان هنگام که با این چنین فرضی قرارداد منعقد میشد کالای موضوع معامله در دریا غرق گردیده بود.

نظیر این معامله نیز قراردادی است که میان دو نفر درباره مبلغ مستمری یا ماهیانه که از مقام معینی مرتباً می رسد انعقاد می یابد و مثلاً شخص الف مستمری خود را بشخص ب بمبلغ معینی میفروشد و حال آنکه در هنگام عقد قرارداد مستمری یا ماهیانه موضوع معامله منقطع

اشتباهی که در موضوع اصلی رخ داده باشد اینست که سال ۱۹۰۳ قرار دادی راجع به بیمه زندگانی انعقاد یافته بود که دادگاه آنرا خالی از اعتبار دانست بدین عنوان که در حین عقد قرارداد خریدار و فروشنده سند بیمه هر دو گمان داشته اند شخصی که عمر او بیمه میشود زنده میباشد و حال آنکه در آن حین شخص نامبرده بدرود زندگانی گفته بوده است - مثال آنکه هراشتباهی را دادگاه انگلیس مؤثر نمیداند اینست که در سال ۱۹۰۲ شخصی بمرکز حراج وارد و در مورد جنسی که حراج گر چوب میانداخت سهو کرد یعنی چیزی که او میخواست چون پهلوی جنس مورد حراج واقع بود تصور کرد نوبه آن چیز است و در مزایده شرکت جست پس از آنکه حراجگر چوبش را انداخت و جنس را باو تسلیم نمودند باشتباه خود واقف و از پرداخت قیمت خودداری کرد دادگاه رأی داد که قرارداد معتبر است و خریدار باید آنرا انجام دهد زیرا افتتاح چنین بابی باعث آن میشود که هر کس از معامله خود راضی نباشد

با دعای سهو و اشتباه از زیر بار تعهد بگریزد
پیش آمدهای مختلف قضائی در انگلستان ما را
و ادا میکنند در این زمینه قدری بیشتر گفتگو کنیم - در
دعوائی که سال ۱۸۷۱ میان دو تجار تخانه پیش آمد بر
دادگاه معلوم شد که طرف خواننده (مدعی علیه) بنا بر
اشتباهی که از روی نمونه جنس برایش دست داده بوده
کالائی را میخرد و حال آنکه فروشنده در این اشتباه
خریدار مداخله نداشته یعنی او را فریب نداده بوده است
دادرس چنین رای داد: « اصل موضوع اینست که بینیم
یک شخص خردمند از رویه طرفین قرارداد طی جریان
معامله چه میفهمد و کاری به نیات حقیقی طرفین نداریم -
هر گاه از روش طرفین بتوان چنین درک نمود که یک
طرف نسبت بکیفیات و شرایط پیشنهادی طرف دیگر
رضایت داده بوده است پس باید قرارداد را معتبر شمرد »
از طرفی بنا بر نظر دادگاه انگلیس وقتی یک

شده بوده ولی طرفین از قطع آن بیخبر بوده اند - در
ایتیبیل موارد دادگاه انگلیس قرارداد را باطل می شمارد
بدین دلیل که فاقد عوض حقوقی میباشد البته باطل
شناختن قراردادها در موردی است که موضوع معامله
هنگام عقد قرار داد منتفی بوده باشد و اما هر گاه
موضوع معامله در حین عقد موجود بوده ولی بعد از
عقد منتفی شده باشد از حیث وضعیت حقوقی جنبه سلب
نمهد حاصل میکند که ماطی مقالات دیگری راجع به آن
گفتگو خواهیم کرد .

اشتباه یا القای شبهه یا تزویر در قرار داد - طی
مقالات پیشین نوشتیم که بنا بر آرای مکرری که طی
چند قرن از دادگاههای انگلیس صادر شده است یک
قرارداد وقتی معتبر است که طرفین معامله قبل از عقد
در یک مفهوم و معنای واحد و راجع بموضوع یگانه با
همدیگر اتحاد فکری یافته باشند و این یکنواخت بودن
فکر دو طرف شرط عمده صحت قرار داد شناخته شده
زیرا هر دو طرف باید روشن و آشکار بدانند که چه
چیز را بر عهده خود میگیرند و هر گاه ثبوت پیوند
که یکی از دو طرف قرارداد دوچار اشتباه و بد فهمی
بوده قرار داد از لحاظ داد رسان انگلیس قابل ابطال
خواهد بود و اما هر گاه هر دو طرف دوچار بدفهمی و
اشتباه شده باشند قرار داد مطلقا باطل و هر پولی که
پرداخته شده باید مسترد گردد

راجع بچگونگی اشتباه این نکته شایان یادآوری
است که اشتباه باید نسبت بکیفیات اساسی یا موضوع
اصلی معامله رو داده باشد و الا هراشتباهی را نمیتوان
ناقص قرارداد شناخت زیرا بنا بر عقیده یکی از دادرسان
انگلیس هر گاه هر اشتباهی ناقص معامله شود بسیاری
از مردم بهانه و عنوان اینکه اشتباه کرده اند و در معامله
اموری بر خلاف تصور یا چشمداشت خود دیده اند از
زیر بار تعهدات خویش شانه تپ می خواهند کرد - مثال

قرارداد از هر حیث دارای شرایط و لوازم اعتبار بوده باشد بعنوان اشتباهی که در مفاهیم قانون رو داده باشد نمیتوان آنرا نامعتبر ساخت و مثلاً شخصی که بر تمام کیفیات یک قرارداد وقوف دارد نمیتواند مدعی شود که از عواقب و نتایج قانونی آن بی‌خبر بوده و این بی‌خبری را وسیله فراز از تعهد قرار دهد زیرا مقرر است (که جهل بر قانون عذر موجه نتواند بود) بنا بر این کیفیات از لحاظ دادگاه انگلیس هر چند پولی که در نتیجه اشتباه اساسی در قرار داد پرداخت شده باشد قابل استرداد است ولی هر گاه در نتیجه اشتباه قانونی پولی پرداخت شده قابل استرداد نیست چنانچه سال ۱۷۹۷ دعوائی اقامه شد که خواهان قیمت جنسی را که فروخته بود میخواست و طرف خواننده اظهار میداشت او بهای اجناس

را قبلاً پرداخته اما فعلاً رسید پولها را در دست ندارد دادگاه خواننده را بپرداخت وجه محکوم ساخت پس از چندی شخص خواننده قبض های رسید خواهان را پیدا کرد اما دادگاه دیگر بدعوی او اعتنائی ننمود - این روش دادگاه هر چند بنظر قدری خشن و دور از عدالت مینماید ولیکن دادرس انگلیسی آنرا بر این اصل متکی میداند که هر گاه برای مناقشه دو طرف حدی و پایانی قائل نشوند تا ابد یک دعوا ادامه خواهد یافت با این حال نظیر این رویه بسیار نادر است و اصولاً در این امور حسن نیت طرفین را دادگاه مورد توجه قرار میدهد چنانچه در اینخصوص شواهد دیگری هست که یاد خواهیم کرد

رحیم زاده صفوی